

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ فیروزی ۲۰۲۵

نگاهی به وضعیت سیاسی و اقتصادی در جهان کنونی

امروزه در جهان، دوسیستم اقتصادی شناخته و تجربه شده است؛ اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی! هرگونه ادعای اقتصادی دیگر، نظیر اقتصاداسلامی، "سوسیالیسم بازاری چینی"، "سوسیالیسم سوسیال دمکراتیک اسکاندیناوی"، "سوسیالیسم خلاق"، "سوسیالیسم انسانی" و اقتصاد "سرمایه‌داری معقول و بشردوستانه"، سخنی بیهوده و ریاکاری محض است. همه موارد فوق در اساس و در مضمون همان سرمایه‌داری اما در شکل‌های متفاوت هستند!

همه جهانیان به تجربه دریافته‌اند که سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری برای کسب پول و ثروت، با بی‌رحمی تمام و با سلاح مخوف گرسنگی و فقر، انسان‌ها را با حداقل دستمزد در استخدام خود در می‌آورند و از ثمره کار و تلاش آنها روز به روز ثروتمندتر می‌شوند. علاوه بر آن برای سود سیری ناپذیری خود و انباشت سرمایه، با وحشی‌گری، طبیعت زیبا و محیط زیست را هم ویران و تخریب نموده و کره زمین و زندگی میلیاردها انسان را به سمت نابودی می‌کشاند. می‌دانیم که در سیستم سرمایه‌داری ابزار تولید؛ نظیر زمین، کارخانه، معادن، بانکها، بیمه، صنایع اسلحه‌سازی، شرکت‌های عظیم، بورس سهام، کارخانه‌های اتومبیل و هواپیما و کشتی‌سازی، سیستم حمل و نقل و هر چیزی که سودآور باشد در اختیار صاحبان سرمایه است. آنها مالکیت خصوصی را تقدیس می‌کنند و هر نیرو و سازمان و حتی کشوری که بخواهد جلوی سودآوری و زیاده‌خواهی‌شان را بگیرد با "دیکتاتوری بورژوازی" و با تمام قوای نظامی و انتظامی و سازمان‌های جاسوسی‌شان بی‌رحمانه به مقابله برمی‌خیزند و سرکوب می‌نمایند.

اما اقتصاد سوسیالیستی، بنابر تجربه سی‌ساله در اتحادشوروی ستالینی، دقیقاً ۱۸۰ درجه تفاوت اساسی با سرمایه‌داری دارد. به سخن دیگر سوسیالیسم تبدیل سرمایه‌داری است. در سوسیالیسم از صاحبان ابزار تولید، که در بالا از آنها نام بردیم، سلب مالکیت می‌شود و هرگونه مالکیت خصوصی بر ابزار تولید-نه مالکیت شخصی- ملغی می‌گردد. مالکیت به‌نفع عموم و سلب مالکیت شدگان به ویژه طبقه کارگران و زحمتکشان، صادره می‌گردد. در سوسیالیسم تولید کالا برای فروش در بازار و کسب سود نیست بلکه برای رفع نیاز انسان و جامعه و برای پیشرفت زیرساختهای کشور است.

سوسیالیسم، فقط با قهر انقلابی و انقلابات کارگری مستقر خواهد شد. هرگونه روش دیگری مثل پارلمان، انتخابات، صندوق رأی و اصلاحات (رفرم) و غیره، ریاکاری و حرف مفتی بیش نیست.

همانگونه که سرمایه‌داران با "دیکتاتوری بورژوازی" از مالکیت و منافع خودشان دفاع می‌کنند، در سوسیالیسم هم طبقه کارگر (پرولتاریا) باید با اعمال "دیکتاتوری پرولتاریا" و سرکوب جبری هرگونه استثمارگری و مفت‌خواری و زندگی انگلی، از مالکیت عمومی بر ابزار تولید و منافع طبقه کارگر و اکثریت جامعه و حفظ محیط زیست، قاطعانه دفاع نماید. مانند اعمال دیکتاتوری پرولتاریا در حاکمیت بلشویک‌ها در شوروی.

برای رهایی از بیداد و بی‌عدالتی و بهره‌کشی انسان از انسان و جلوگیری از نابودی طبیعت و نجات بشریت از یوغ استثمار و استثمار، هیچ راهی به جز استقرار و حاکمیت سوسیالیسم و دیکتاتوری طبقه کارگر وجود ندارد. سخنان دیگری غیر از این، سخنی پوچ و کذب محض است!

ایدئولوژی و یا طرز فکر طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی)، در دوره صنعتی و رقابتی "لیبرالیسم" بود ولی از اواخر قرن ۱۹ و از ابتدای قرن بیستم که نظام سرمایه‌داری وارد دوره انحصارات و امپریالیسم گردید، به تدریج "نئولیبرالیسم" حاکم شد و در ادامه و اکنون، سیاست و اقتصاد مالی و نظام‌گیری حاکمیت یافت. این بدان معناست که امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها و بانکداران و میلیاردرها با پول، رؤسای جمهور کشورها، سیاستمداران، سران ارتش، قانون‌گذاران، رسانه‌ها، مطبوعات و دادگاه‌ها و غیره را می‌خرند و کارخانه‌های اسلحه‌سازی با تولید سلاح‌های مرگبار و راه‌اندازی انواع جنگ‌ها، کشورهای جهان را به زور تسلیم و منابع‌شان را غارت می‌نمایند. سال‌هاست که تجارت در کشورهای امپریالیستی، خصوصاً آمریکا از مرحله صنعت و صدور کالا گذشته و به مرحله ایجاد بحران و تولید و فروش تجهیزات نظامی بر جهان و در یک کلام جنگ و بربریت عربیان، گام نهاده است! اما ایدئولوژی و یا جهان‌بینی طبقه کارگر "مارکسیسم-لنینیسم" برای استقرار سوسیالیسم است.

مارکسیسم-لنینیسم به مجموعه‌ای از تعالیم و آموزه‌های متفکران، فلاسفه و انقلابیون بزرگ گفته می‌شود که با اندیشه و نبوغ‌شان ضمن تفسیر جهان، در پی تغییر جهان بی‌رحم سرمایه‌داری برآمدند و در این راستا کارگران و زحمتکشان و خلق‌های تحت‌ستم را به اتحاد و مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار و علیه تجاوزات و اشغالگری و استثمار امپریالیست‌ها فرا خواندند.

در توضیح مختصر این ایدئولوژی می‌توان گفت؛ مارکسیسم، آموزه و راهنمای کارگران و زحمتکشان جهان در دوران اولیه سرمایه‌داری یعنی دوره صنعتی-رقابتی است و چون "مارکس" در سال ۱۸۸۳ درگذشت لذا ویژگی‌های عصر امپریالیسم تکامل یافته و دوره انقلابات کارگری به‌وضوح و جامع در نوشته‌هایش تبیین نشده است. اما "لنین" و لنینیسم که مارکسیسم دوره امپریالیسم و انقلابات کارگری است با تئوری‌های علمی خود، مارکسیسم را اعتلا بخشید. "ستالین"، این مارکسیست - لنینیست بزرگ و شاگرد وفادار لنین، سهمیه لنین به تئوری مارکسیسم را چنین توضیح می‌دهد:

"لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری است. اگر دقیق‌تر صحبت کنیم، لنینیسم تئوری و عمل انقلاب کارگری به‌طور عام و تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا به‌طور خاص است.

مارکس و انگلس در دوره سرمایه‌داری رقابت آزاد فعالیت می‌کردند، زمانی که سرمایه‌داری هنوز به مرحله انحصار تکامل نیفتاده بود. ولی "لنین" به عنوان ادامه دهنده راه مارکس و انگلس، فعالیت خود را در دوره امپریالیسم تکامل بخشید و در مرحله شکوفایی انقلاب پرولتری دنبال می‌کرد. پایان نقل قول.

بعد از درگذشت ستالین و قدرت‌گیری رویونیست‌های خائن در اتحاد شوروی آنها به مدت بیش از سی سال و به ویژه بعد از فروپاشی "شوروی" در سال ۱۹۹۱، سلطه مرگبار امپریالیسم بر جهان در حال تحقق یافتن است. پیداست که در این حالت، یعنی در حاکمیت سرمایه‌مالی و مجتمع نظامی و در تهاجم و تجاوز بربرمنشانه به کشورهای جهان، آینده

شوم و تاریکی برای بشریت در حال رقم خوردن است. چنانچه نیروهای انقلابی و مترقی، بشریت آگاه و خلق‌های زیرستم استعمار و استثمار، فارغ از نژاد و مذهب و مرام، علیه جنایات امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها بپا نهند و صف واحدی تشکیل ندهند، بربریت حاضر جایی برای آسایش فکر و صلح و آرامش برای جهانیان باقی نخواهد گذاشت و جهان به سوی بربریت کامل و چه بسا به سمت جنگ اتومی خواهد رفت !!